

مهاجر، جمال، ۱۳۴۵ -
در قلمرو آزادی / تالیف جمال مهاجر. — سنندج :
تافکه، ۱۳۸۳.
۷۳ ص.

ISBN 964-8709-17-3

فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا .
کتابنامه : ص. ۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
۱. آزادی (اسلام).

۲۹۷/۴۸۳

BP۲۳۰/۱۴/۸۲۴

۸۳-۲۸۵۶۵

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: در قلمرو آزادی

مؤلف: جمال مهاجر

ناشر: انتشارات تافکه

تیراز: ۱۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: ۱۳۸۳

قیمت: ۸۵۰ تومان ۶۵ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۷۰۹-۱۷-۳

سنندج: پاساژ عزتی کتابفروشی

بسوی قرآن تلفن ۲۲۲۷۸۰۳

در قلمرو آزادی

تألیف :

جمال مهاجر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	 اشاره
۷	 تعریف آزادی با تعریف انسان مرتبط است
۱۳	 آزادی و اختیار
۱۷	 آیا اطاعت از خدا، مخالف آزادی است ؟
۲۵	 آزادی در رابطه با دیگران
	 موانع تحقق آزادی
۲۶	 الف) موانع درونی
۲۸	 ب) سوء استفاده از آزادی
۲۹	 ج) تنگ نظری در قبال آزادی
۳۰	 د) نداشتن اراده‌ی قوی
۳۱	 ه) شیفتگی به مقام و شهرت طلبی
۳۲	 و) تعلق و تعصب افراطی به طبقه
۳۵	 ماتریالیسم و مسأله‌ی آزادی
۳۸	 آیا قانون و قدرت با آزادی منافات دارند؟
۴۰	 مرزهای آزادی، حدود و ثغور آن
۴۵	 آزادی، در سیاست و قدرت نبوی اعمال شد
۴۸	 داوری زود هنگام
	فصل دوم
۵۱	 یک پندار موهوم
۵۳	 روش صحیح نقد و تحلیل وقایع
۵۴	 اسلوب دعوت پیامبر و برخورد با مخالفین
۶۳	 آیا جنگ سبب ایمان آوردن افراد و قبایل شد؟
۷۳	 منابع و مآخذ

اشاره :

انسان موجودی ذوابعاد است و در طی سالیان متمادی سئوالات متفاوتی پیرامون همین ابعاد وجودی انسان مطرح بوده و هم اکنون نیز لایه‌هایی از ذهن بشر را به خود مشغول کرده است. یکی از این ابعاد، مسأله‌ی آزادی و اختیار و نقطه‌ی مقابل آن‌ها است. آیا انسان موجودی آزاد و مختار است یا عبد و مطیع؟

شاید اولین چیزی که در میان علمای مکاتب (دینی و غیردینی) مورد بحث و فحص قرار گرفته است، مقوله‌ی آزادی است که البته در هنگامه‌ی جواب با افراط و تفریط‌های بی‌شماری مواجه شده است و بیش‌تر از زاویه‌ی حزبی و سازمانی به بیان آن پرداخته شده است نه از دید جامعه‌شناختی و علمی و توأم با انصاف، از این نظر مورد جفا قرار گرفته و بیش‌تر در حد تئوری و دیالوگ به آن پرداخته شده است تا تحقیق عینی آن، گفتارها بر آن نگاشته شده، وعظ و خطابه‌ی فراوان بیان شده و در مقام اثبات آن، مطالب به فراوانی نوشته شده است و کتاب‌ها جایزه گرفته‌اند؛ اما درباره‌ی این مفهوم گران سنگ، هنوز ناگفته‌های زیادی وجود دارد و نباید از گفتن آن‌ها دریغ کرد. همراه با بیان آن، باید برای عینیت بخشیدن به آن در زندگی فردی و جمعی تلاش کرد. البته این چیزی است که در درجه‌ی اول بر عهده‌ی نخبگان جامعه بوده، سپس احاد جامعه به اندازه‌ی وسع خودشان می‌توانند در آن نقش داشته باشند.

شاید علت کم جلوه‌گری آن، علاوه بر دیدگاه‌های افراطی و تفریطی، این بوده است که آزادی را مترادف با لجام گسیختگی دانسته‌اند و شاید از این نظر، اقبال معدودی از افراد را سلب کرده باشد.

به رغم این که، آزادی مشمول تفاسیر و توجیهات کند و تند شده است اما چندان نیاز به دفاع از آن نیست؛ چون مانند تهیه‌ی غذا و مسکن برای همگان لازم و واجب است و کوتاهی از آن، حرکت کمال بخش انسان را به تأخیر انداخته و از اهداف معهود خود دور می‌اندازد، ولی چیزی که لازم است پیرامون آن سخن گفته شود، بیان حدود و ثغور توأم با حفظ اعتدال آن و پرهیز از یکسویگری می‌باشد تا خواننده متوجه شود که آزادی چیزی نیست که بشر بتواند بدون آن زندگی کند یا مقوله‌ای نیست که از آن خوف و ابا داشت، حتی اگر دیگران از آن سوء استفاده می‌کنند، نباید از آن غفلت کرد و اغماض نمود.

آزادی هم در حوزه‌ی دینی و هم در حوزه‌ی سیاسی، همواره یکی از مباحث اصولی و جدی بوده و روی ارزش بنیادین آن، تکیه‌ی زیادی شده است؛ اما با وجود توافق بر حیات بخش بودن آن، تفاوت برداشت‌ها را هم در هر کدام از این حوزه‌ها نمی‌توان نادیده گرفت. یقیناً آزادی که مورد نظر ماتریالیسم بوده با نظریه‌ی دین آزادی بخش اسلام متفاوت است. باز خود آزادی هم ذوابعاد است و شعب و معانی گوناگونی دارد؛ اما در حد توان باید تلاش کرد تا سره از ناسره از هم جدا شود و در این رابطه، دیدگاه دین برای پی بردن به کنه و ماهیت قضیه بسیار راه‌گشا خواهد بود.

و باز عده‌ای، شبهه‌ای را مطرح و القاء کرده‌اند که اسلام در گذشته مدیون سرنیزه بوده و آزادی را نادیده گرفته است و با معلومات تاریخی اندک در پی این هستند که تاریخ بی‌بدیل اسلام را در اذهان نسل تازه کم‌رنگ جلوه داده و بدینی را ایجاد کنند. با توجه به این که اکنون در دنیا مفهوم واقعی اسلام در حال مطرح شدن بوده و این روند در حال گسترش

است با حربۀ ی تحریفِ وقایع تاریخی، نمی‌توان در این راه پرییچ و خم موفق شد.

بنده ی حقیر هم با استعانت از حق تعالی، در حد توان خود و غور در منابع معتبر به بیان اجمالی پاره‌ای از ابعاد آزادی و اختیار در یک فصل و در فصل دیگر به جواب شبهه‌ی ذکر شده می‌پردازم.

امید آن که این نوشتار مقبول حضرت حق قرار گیرد و از ارشاد خیرخواهان بی‌بهره نماند و برای علاقه‌مندان مفید و مؤثر باشد.

جمال مهاجر

فروردین ۱۳۸۰

تعریف آزادی با تعریف انسان مرتبط است :

بر خلاف قضا و قدر که کل هستی را شامل می‌شود، اختیار و آزادی تنها ویژگی منحصر به فرد انسان می‌باشد، بدین معنی که در میان تمام موجودات، انسان تنها موجودی است که از این خلعت گران‌مایه‌ی خلقت، برخوردار است، در واقع یکی از موارد تمایز انسان با سایر جانداران در همین راستا بوده است. پس چون مفهوم آزادی در ارتباط با انسان مطرح است، خوب است که ابتدا انسان تعریف و آن‌گاه به ویژگی او پرداخته شود و تا این کار صورت نگیرد، مطلب ناپخته خواهد ماند و اصطلاحاً عجلولانه نتیجه‌گیری خواهد شد و شاید عدم حفظ اعتدال و دچار شدن به راه افراط و تفریط، در اثر تسامح از این اصل اساسی بوده است. در واقع اگر تعریفی صحیح از انسان و ابعاد وجودی او ارائه شود، برای روشن شدن بحث آزادی و اختیار، بسیار راه‌گشا خواهد بود. هر نوع طرز تلقی از انسان صورت بگیرد همان تلقی از آزادی صورت خواهد گرفت. پس لازم است که اشارتی به انسان و ابعاد وجودی او داشته باشیم.

انسان ممزوج و ترکیبی از صفات متعدد است، چه بالفعل داشته باشد یا نداشته باشد، در ابتدا آمال و آرزوهای مادی و دنیایی او را تشکیل می‌دهند و نیازهای او هم پیرامون همان آرزوهای اولیه‌ی مادی است، در این دوران دفعِ نِقَم و جذبِ نِعَمِ انتهای آرزوهاست و در واقع «خودِ طبیعی» محصول چنین دورانی از عکس‌العمل زیستی اوست. در این مقطع که در حال گذار است و به زودی حیاتی دیگر برای او خودنمایی می‌کند، با زندگی سایر گونه‌های جانوری تفاوت